Quarterly Journal of Fiscal and Economic Policies

Spring 2025, Vol. 13, No. 49, PP. 163-195

Investigating the Moderating Role of Board Gender Diversity in the Relationship Between Business Strategy and Tax Avoidance

Mehdi Filsaraei*
Assistant Professor, Department of Accounting, Hakim Toos Higher Education institute Mashhad, Iran
Davoud Razayani
Assistant Professor, Department of Accounting, Hakim Toos Higher Education institute Mashhad, Iran

Received: 26/08/2024 **Accepted: 26/02/2025**

Abstract:

It is argued that the presence of women on corporate boards may influence both the type of business strategy pursued and the company's tax avoidance practices. Women are generally characterized by a more conservative approach, a higher degree of scrutiny regarding internal controls, and a preference for defensive strategies—all of which may significantly impact tax avoidance behaviors. Accordingly, this study investigates the relationship between corporate business strategy and tax avoidance, with a particular focus on the moderating role of board gender diversity. This research is quasi-experimental in nature, Also, using a regression-based approach in terms of purpose and method. Given that the study relies on historical data to test hypotheses, it is categorized as a post-event (ex post facto) study. A sample of 140 listed firms on the Tehran Stock Exchange (TSE) during the period from 2016 to 2022 (1395–1401 in the Iranian calendar), totaling 980 firm-year observations, was analyzed using multivariate regression models. The findings indicate a significant positive relationship between a prospector (aggressive) business strategy and tax avoidance. Moreover, board gender diversity strengthens this relationship. Conversely, a defender (conservative) business strategy is significantly negatively associated with tax avoidance, and board gender diversity weakens this relationship. These results highlight the critical role of gender-diverse boards in shaping the impact of strategic orientation on corporate tax behavior.

JEL Classification: C32, H26, G19, G34

Keywords: Tax Avoidance; Prospector Business Strategy; Defender Business Strategy; Board Gender Diversity.

* Corresponding Author, Email: ---

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.61882/qjfep.13.49.163]

[DOI: 10.61882/qjfep.13.49.163] [Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

سال سیزدهم، شماره 49، بهار 1404، صفحات 195–163

بررسی نقش تعدیلی تنوع جنسیتی هیئت‌مدیره بر رابطه بین استراتژی تجاری و اجتناب مالیاتی

مهدی فیل‌سرائی
استادیارگروه حسابداری،موسسه آموزش عالی حکیم طوس،مشهد،ایران (نویسنده مسئول)
filsaraei@yahoo.com

داود رزایانی
مربی گروه حسابداری،موسسه آموزش عالی حکیم طوس،مشهد، ایران
davoodraza@gmail.com

استدلال بر این است که حضور زنان در هیئت‌مدیره می‌تواند بر نوع استراتژی تجاری و فعالیت‌های اجتناب مالیاتی شرکت مؤثر باشد؛ زیرا زنان دارای روحیه محافظه‌کارانه و بررسی دقیق فعالیت‌ها و کنترل‌های داخلی شرکت هستند و دنبال استراتژی‌های تدافعی بیشتر هستند که این می‌تواند بر فعالیت اجتناب مالیاتی شرکت مؤثر باشد. بر همین اساس، هدف این پژوهش به بررسی ارتباط استراتژی تجاری شرکت و اجتناب مالیاتی با بررسی نقش تعدیلی تنوع جنسیتی هیئت‌مدیره می‌پردازد. این پژوهش از نوع پژوهش‌های شبه‌تجربی است. همچنین، از لحاظ هدف کاربردی و از لحاظ روش نیز از نوع تجزیه‌وتحلیل همبستگی با رویکرد رگرسیونی است. با توجه به اینکه این پژوهش از اطلاعات گذشته برای آزمون فرضیه‌ها استفاده می‌کند از نوع پژوهش‌های پس‌رویدادی است. در راستای بررسی این موضوع، فرضیه‌های پژوهش بر مبنای یک نمونه آماری متشکل از 140 شرکت بورسی طی سال‌های 1395 لغایت 1401 (980 مشاهده) انتخاب و با استفاده از الگوهای رگرسیونی چندمتغیره مورد آزمون قرار گرفت. نتایج نشان داد که بین استراتژی تجاری آینده‌نگر و اجتناب مالیاتی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین تنوع جنسیتی هیئت‌مدیره رابطه استراتژی تجاری آینده‌نگر و اجتناب مالیاتی را تقویت می‌کند. از طرفی، بین استراتژی تجاری گذشته‌نگر و اجتناب مالیاتی رابطه منفی و معناداری وجود دارد. درنهایت، تنوع جنسیتی هیئت‌مدیره رابطه استراتژی تجاری گذشته‌نگر و اجتناب مالیاتی را تضعیف می‌کند.

طبقه‌بندی JEL:C32, H26, G19, G34
واژگان کلیدی: اجتناب مالیاتی، استراتژی تجاری تهاجمی (آینده‌نگر)، استراتژی تجاری تدافعی (گذشته‌نگر)، تنوع جنسیتی هیئت‌مدیره.

* تاریخ دریافت: 1403/06/29 تاریخ پذیرش: 1403/12/08

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.61882/qjfep.13.49.163]

1. مقدمه

مدیریت مالیات برای رشد و سودآوری یک شرکت ضروری است. اصطلاح اجتناب از مالیات وضعیتی است که در آن شرکت‌ها سیاست‌های خاص مربوط به مالیات را اجرا می‌کنند. به عبارتی، اجتناب از مالیات یک تلاش برای کاهش مالیات است که به طور قانونی برای مؤدیان انجام می‌شود، زیرا مستلزم مقررات مالیاتی نیست. برخی معتقدند اجتناب از مالیات وسیله‌ای مشروع برای به حداقل رساندن مالیات یا کاهش مبالغ مالیاتی است و به استفاده از قوانین مالیاتی به نحوی اطلاق می‌شود که توسط دولت پیشنهاد نشده باشد (ژانگ و همکاران[1]، 2022). به عقیده این افراد، اجتناب از مالیات، در واقع نوعی استفاده از خلأهای قانونی در قوانین مالیاتی در جهت کاهش مالیات است (حسنی و شفیعی، 2010). بنابراین، اجتناب مالیاتی رفتاری قانونی است، یعنی شرکت‌ها با استفاده از روزنه‌های قانون مالیات و بازبینی در تصمیمات اقتصادی تلاش می‌کنند بدهی مالیاتی خود را کاهش دهند. با توجه به اینکه پرداخت مالیات سبب خروج جریان‌های نقدی شرکت می‌شود؛ به همین دلیل سرمایه‌گذاری به منظور کسب شناخت از برنامه‌های مالیاتی، همیشه در کانون توجه مدیران شرکت‌ها بوده است. این برنامه‌ها می‌توانند دامنه‌ای از سیاست‌های محافظه‌کارانه‌ی مالیاتی مانند ابزارهای مالی، تا سیاست‌های متهورانه‌ی مالیاتی همچون راهبردهای اجتناب از پرداخت مالیات را پوشش دهند (دسای و دارماپالا[2]، 2009).

همچنین اجتناب مالیاتی را می‌توان به عنوان یک راهکار جایگزین برای فرصت‌های سرمایه‌گذاری پر ریسک در نظر گرفت. اجتناب مالیاتی می‌تواند دارای دو اثر متضاد بر ارزش شرکت باشد. اولاً می‌تواند با صرفه‌جویی نقدی ناشی از کاهش خروجی وجوه نقد، ارزش شرکت را افزایش دهد؛ دوماً می‌تواند منجر به افزایش هزینه سرمایه شرکت نیز شود. زیرا بازار سرمایه عموماً نمی‌تواند بین اجتناب مالیاتی (به عنوان یک راه‌کار قانونی کاهش مالیات) و فرار مالیاتی (یک روش غیرقانونی نپرداختن مالیات که منجر به تعقیب قضایی نیز خواهد شد) تمایز قائل شود

1 Zhang et al.
2 Desai & Dharmapala

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]
[DOI: 10.61882/qjfep.13.49.163]

و نرخ هزینه سرمایه را برای شرکت‌هایی که اجتناب مالیاتی انجام می‌دهند، بالاتر در نظر می‌گیرد (آرمسترانگ[1] و همکاران، 2015).

از طرفی، صاحبان کسب‌وکار، استراتژی‌های مختلفی از برنامه‌ریزی مالیاتی را برای کاهش بدهی‌های مالیاتی مورد انتظار خود بکار می‌گیرند. بااین‌حال، مزایای مورد انتظار این اقدام، بدون هزینه نیست. استراتژی، در واقع پاسخ مدیران ارشد به محدودیت‌ها و فرصت‌هایی است که با آن‌ها مواجهه شده و همچنین چگونگی انطباق ظرفیت‌های یک سازمان با فرصت‌های موجود در بازار به منظور تحقق بخشیدن به هدف‌های کل سازمان است (بنتلی و همکاران[2]، 2013؛ هیگز و همکاران[3]، 2014). به این ترتیب، در علم مدیریت، تدوین استراتژی یکی از وظایف خطیر مدیریتی است و مبنای تصمیم‌گیری‌های حیاتی مدیران برای حفظ بقای سازمان و تعالی آن است (نمازی و همکاران، 2017). حداقل به دو دلیل بررسی تأثیر استراتژی تجاری شرکت بر روی سطح اجتناب مالیاتی جالب توجه است: 1) تحقیقات قبلی نشان می‌دهد که نوسان قابل توجهی در تمایل شرکت برای اجتناب از مالیات بر درآمد وجود دارد. 2) هنوز در تحقیقات قبلی این مسئله ناشناخته باقی مانده است که چرا شرکت‌های به ظاهر مشابه، درگیر سطوح مختلفی از اجتناب مالیاتی هستند. به عنوان مثال شرکت‌های دارای صنعت مشابه و با انگیزه‌های مشابه (فرصت‌های بالقوه مشابه) دارای برنامه‌ریزی مالیاتی متنوعی هستند و اقدامات متنوعی در زمینه اجتناب از مالیات بر درآمد انجام می‌دهند (دیانتی دیلمی و همکاران، 1394).

به دلیل تفاوت در اندازه و جهت تغییر در رابطه با محصولات و بازارها، کروتئو و برگرون[4] (2001) سه استراتژی کسب‌وکار را که ممکن است به طور همزمان در صنایع وجود داشته باشد (شامل: آینده‌نگران، مدافعان، تحلیل‌گران) شناسایی کرده‌اند. شرکت‌های با استراتژی آینده‌نگر نسبت به سایر شرکت‌ها از ثبات کمتری برخوردار هستند که این امر منجر به این می‌شود که این

1 Armstrong
2 Bentley et al.
3 Higgins et al.
4 Croteau & Bergeron

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]
[DOI: 10.61882/qjfep.13.49.163]

شرکت‌ها به دنبال فعالیت‌های اجتناب مالیاتی بیشتری باشند تا از این طریق بـه منـابع مـالی بیشـتری برسند. از آنجایی که این‌گونه شرکت‌ها در معرض خطر بیشتری قرار دارند، بیشتر به دنبال اجتنـاب مالیاتی هستند تا جریان خروجی وجوه نقد (به اداره مالیات) را کاهش دهند و منافع صاحبان سـهام را افزایش دهند. اعمال محافظه‌کاری بیشتر برای شرکت‌های آینده‌نگر (تهاجمی) موجـب افـزایش فعالیت‌های اجتناب مالیاتی و کاهش نرخ مؤثر مالیـاتی بـرای شـرکت می‌شـود. از سـوی دیگـر، از آنجایی که تنوع تولیدات در شرکت‌هایی با استراتژی تدافعی انـدک اسـت، ایـن شـرکت‌ها دارای انعطاف‌پذیری محدودی در مواجه با شرایط رقابتیِ بازار می‌باشند و ریسـک ایـن شـرکت‌ها کمتـر بوده و کمتر به دنبـال فعالیت‌هـای اجتنـاب مالیـاتی هسـتند و لـذا نـرخ مـؤثر مالیـاتی بیشـتر اسـت. شرکت‌های با استراتژی تدافعی بر خلاف شرکت‌هایی با اسـتراتژی تهـاجمی، دارای بی‌نظمی‌هـای تأمین مالی کمتری هستند و تلاش می‌کنند تا جایگاهی مطمئن در حوزه‌هـای بـا ثبـات خـدمت یـا کالا پیدا کننـد و آن را حفـظ نماینـد. همچنـین می‌تـوان گفـت کـه شـرکت‌های دارای اسـتراتژی تدافعی به صورت قابل‌ملاحظه‌ای اختیارات مدیریتی کمتری را از طریق اعمـال قـوانین و مقـررات سخت‌گیرانه در عملیات کسب‌وکار ارائه می‌دهند تا بتوانند نرخ مؤثر مالیاتی خود را کاهش دهنـد (مایلز و اسنو[1]، 1978). بنابراین به نظر می‌رسد که در این‌گونـه شـرکت‌ها ریسـک تجـاری کمتـر است و این امر می‌تواند با کاهش فعالیت اجتنـاب مالیـاتی، هزینـه مالیـات شـرکت را بیشـتر نمایـد (بنتلی و همکاران[2]، 2013).

شرکت‌هایی که به دنبال حداقل کردن هزینه‌ها هستند، بیشتر بر روی رشـد و نـوآوری تمرکـز دارند، در این نوع شرکت‌ها به حداقل رساندن مالیات، نگرانی زیادی را ایجاد نمی‌کنـد، بااین‌حـال این نوع شرکت‌ها به شدت به دنبال فرصت‌های جدیـد هسـتند و ایـن امکـان وجـود دارد کـه ایـن فرهنگ تهاجمی سطح اجتناب مالیاتی آن‌ها را تحت تأثیر قرار دهد. علاوه بر این، شرکت‌هایی که

1 Miles & Snow
2 Bentley et al.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]
[DOI: 10.61882/qjfep.13.49.163]

گرایش بیشتری به ریسک دارند، ممکن است تمایل بیشتری برای درگیر شدن در موقعیت‌های مالیاتی تهاجمی داشته باشند (روستایی دره و همکاران، 2015).

با توجه به این استراتژی‌ها، انتظار می‌رود مدیران شرکت‌های تدافعی محافظه‌کارانه‌تر از دیگران عمل کنند و نسبت به ابهام‌های مربوط به اجتناب مالیاتی حساس‌تر باشند؛ در نتیجه، مدیرانی که استراتژی تدافعی را دنبال می‌کنند، فرصت‌های اجتناب مالیاتی پُرریسک و پرهزینه را نادیده می‌گیرند. در مقابل، استراتژی آینده‌نگر بیشتر به ریسک‌پذیری رقابتی منجر می‌شود و احتمالاً شرکت، بیشتر در فعالیت‌های اجتناب مالیاتی وارد می‌شود. مدیران شرکت‌های آینده‌نگر، حساسیت کمتری به ابهام‌های مربوط به اجتناب مالیاتی دارند و به احتمال بیشتر، آستانه تحمل بیشتری برای جریمه‌های مالیاتی احتمالی یا تهدیدهای مربوط به بدنامی شرکت به‌واسطه افشاگری عمومی اجتناب مالیاتی دارند؛ بنابراین، مدیرانی که استراتژی آینده‌نگر دارند، احتمالاً در برنامه‌ریزی مالیاتی رفتار تهاجمی نیز دارند (مرفوع و همکاران، 1398).

این پژوهش همچنین به بررسی نقش تعدیلی تنوع جنسیتی هیئت‌مدیره بر رابطه بین استراتژی تجاری و اجتناب مالیاتی می‌پردازد. تنوع هیئت‌مدیره عامل مهمی در توضیح توانایی اعضا برای انجام وظایف و کمک به عملکرد خوب شرکت است. از طرفی، تنوع هیئت‌مدیره می‌تواند دارای پیامدهای اخلاقی و چالش‌هایی باشد. به عنوان مثال، حضور زنان کم‌تجربه در جلسات هیئت‌مدیره ممکن است مسائل اخلاقی مرتبط با تبعیض و نابرابری را افزایش دهد؛ از جمله این عوامل می‌توان به بی‌عدالتی در استخدام زنان، خدمات مرتبط با جبران خسارت کارمندان و بیمه و درمان کارکنان اشاره نمود (جوکز و همکاران[1]، 2013). حضور زنان در هیئت‌مدیره می‌تواند بر نوع استراتژی تجاری و فعالیت‌های اجتناب مالیاتی شرکت مؤثر باشد؛ زیرا زنان دارای روحیه محافظه‌کارانه و بررسی دقیق فعالیت‌ها و کنترل‌های داخلی شرکت هستند و به دنبال استراتژی‌های مدافعانه بیشتر هستند که این می‌تواند بر فعالیت اجتناب مالیاتی شرکت مؤثر باشد (یانگ و همکاران[2]، 2019).

1 Joecks et al.
2 Yang et al.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]
[DOI: 10.61882/qjfep.13.49.163]

بنابراین، حضور زنان در هیئت‌مدیره می‌تواند به شرکت در راستای دستیابی به یک هزینه مالیات مناسب با نرخ مؤثر مالیاتی کمتر کمک نماید (ژانگ و همکاران، 2022).

با توجه به مطالب ارائه شده، مسئله اصلی این تحقیق پاسخ به این سؤالات است که آیا ارتباط معناداری بین استراتژی تجاری (آینده‌نگر و تدافعی) و اجتناب مالیاتی وجود دارد؟ همچنین، آیا تنوع جنسیتی هیئت‌مدیره رابطه بین استراتژی تجاری (آینده‌نگر و تدافعی) و اجتناب مالیاتی را تعدیل می‌کند؟

در ادامه ساختار مقاله به صورت: مبانی نظری و پیشینه پژوهش، روش‌شناسی پژوهش، سنجش متغیرها، یافته‌های پژوهش و درنهایت بحث و نتیجه‌گیری و پیشنهادهای پژوهش طبقه‌بندی می‌گردد.

2. مبانی نظری

2-1. نقش هیئت‌مدیره در نظام راهبری شرکت

هیئت‌مدیره یک گروه از افراد منتخب است که مسئولیت اصلی آن‌ها تأمین منافع صاحبان سهام است. اعضای هیئت‌مدیره به طور رسمی بر مدیران سطح بالا نظارت می‌کنند. لذا، کنترل و نظارت مهم‌ترین وظیفه‌ی هیئت‌مدیره است. با توجه به نقش نظارتی هیئت‌مدیره، ابزار مهمی برای کاهش هزینه‌های نمایندگی است. به زبان ساده، هیئت‌مدیره به گروهی از افراد که از نظر قانونی در حاکمیت شرکتی سازمان مسئول هستند، گفته می‌شود. اهمیت حاکمیت شرکتی به زبان ساده در آن است که خِرد جمعی را در امور حیاتی سازمان حاکم می‌کند. لفظ حاکمیت معمولاً به فعالیت‌های نظارتی هیئت‌مدیره بر روی هدف‌ها، برنامه‌ها و سیاست‌های کلی سازمان اطلاق می‌شود که وضع برنامه‌ها و سیاست‌ها، نظارت روی عملکرد مدیران اجرایی ارشد، تأمین منابع کافی برای سازمان، اطمینان از به اجرا درآمدن قوانین و مقررات، نمایندگی از طرف سازمان در برابر ذی‌نفعان خارج از سازمان و ... را در برمی‌گیرد. (ناظمی و همکاران، 2013). مدیران و اعضای هیئت‌مدیره اکثراً بر این باورند که اعضای هیئت‌مدیره باید بیشتر در امور مربوط به شرکت

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.61882/qjfep.13.49.163]

به‌عنوان شرکای مدیریت فعالیت کنند. سهامداران در سال‌های اخیر با دادن استقلال بیشتر به هیئت‌مدیره به دنبال تقویت نقش آن به‌عنوان نماینده‌ی سهامداران شرکت بوده‌اند. این امر در عمل موجب نزدیکی هیئت‌مدیره به مدیریت و شراکت با آن شده است. با این کار مسئولیت هیئت‌مدیره بیشتر شده و اعضای آن در تمام امور استراتژیک سازمان دخالت مثبت دارند.

2-2. نظارت و تصمیم‌گیری نماینده‌ی زن در هیئت‌مدیره

به طور کلی، زنان در هیئت‌مدیره مستقل‌تر از مردان عمل می‌نمایند که این امر در انجام نظارت مؤثر به عنوان وظیفه هیئت‌مدیره حائز اهمیت است (بودی[1]، 2019). دیلی و همکاران[2] (2000) دریافتند که زنان نظرات متفاوتی در هیئت‌مدیره ارائه نموده و شفافیت بیشتری داشتند. زنان همچنین تأثیر مثبتی داشته و اعتماد ذی‌نفعان را به اعضای هیئت‌مدیره افزایش می‌دهند. سرینیدی و همکاران[3] (2011) بررسی کرد که آیا شرکت‌هایی در ایالات متحده که دارای تنوع جنسیتی هیئت‌مدیره هستند، کیفیت سود بهتری را نشان می‌دهند یا خیر. آن‌ها دریافتند که زنان در هیئت‌مدیره به دنبال یافتن راه‌حل‌هایی برای مشکلات دشوار بوده که معمولاً توسط مردان به جا مانده است. آن‌ها مشاهده کردند که ظرفیت نظارتی هیئت‌مدیره به دلیل حضور بانوان در هیئت‌مدیره افزایش یافته است. گل و همکاران[4] (2011) در ایالات متحده تحقیقی با این عنوان انجام دادند که آیا تنوع جنسیتی در هیئت‌مدیره بر اطلاعات شفاف‌تر و خاص سهام شرکت تأثیر دارد یا خیر. نتایج نشان داد که تنوع جنسیتی هیئت‌مدیره می‌تواند توانایی هیئت‌مدیره را برای انجام معاملات با نظارت دقیق، افشا و گزارش‌دهی و همچنین بررسی دقیق در تصمیم‌گیری افزایش دهد. به طور کلی، شواهد فراوانی وجود دارد که نشان می‌دهد زنان نظارت بهتری را دارند. کریشنان و پارسونز (۲۰۰۸) بیان می‌نمایند که زنان تحمل کمتری در ارتباط با رفتارهای

1 Budi
2 Daily et al.
3 Srinidhi et al.
4 Gul et al.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]
[DOI: 10.61882/qjfep.13.49.163]

فرصت‌طلبانه دارند (چن و لین[1]، 2013). به‌ویژه، آن‌ها نشان دادند که اعضای هیئت‌مدیره‌ی زن حضور بهتری در مقایسه با هیئت‌مدیره مرد داشته‌اند و عضو هیئت‌مدیره‌ی زن تمایل بیشتری به فعالیت در کمیته‌های نظارت مانند کمیته‌ی حسابرسی و کمیته‌ی حقوق و مزایا دارند. گرایش به جذب هیئت‌مدیره‌ی زن در سازمان‌ها تأثیر مهمی بر فرایندهای کنترلی و تصمیم‌گیری شرکت دارد. پژوهش‌های پیشین در نحوه‌ی مدیریت نشان می‌دهد، هیئت‌مدیره دارای تنوع جنسیتی، کنترل‌های مفید بیشتری انجام می‌دهند. در هیئت‌مدیره دارای تنوع جنسیتی، مدیران تمایل بیشتری به؛ ۱) بررسی بهتر دیدگاه‌های یکدیگر و ۲) بررسی و رفع تفاوت‌ها دارند. همچنین، هیئت‌مدیره با تنوع جنسیتی، بیش‌اطمینانی و دیدگاه‌های افراطی کمتری دارند. برخی پژوهش‌ها به دلیل این‌که کمیته‌ی حسابرسی نقش مهمی در فرآیند نظارت، کنترل داخلی و گزارشگری مالی دارد، به بررسی تأثیر حضور زن در کمیته‌ی حسابرسی نیز پرداخته‌اند و نتایج آن‌ها نشان می‌دهد که شرکت‌های دارای عضو زن در کمیته‌ی حسابرسی، حق‌الزحمه‌ی کمتری دارند. همچنین شرکت‌های دارای عضو زن در کمیته‌ی حسابرسی، دارای تأخیر کمتر در حسابرسی بوده و اقلام تعهدی غیرعادی کمتر و در نتیجه کیفیت سود بالاتری دارند. لذا اعتقاد کلی بر این است که حضور حداقل یک نماینده‌ی زن در کمیته‌ی حسابرسی می‌تواند حق‌الزحمه‌ی حسابرسی را کاهش دهد (ایمانی و همکاران، 2017). از طرف دیگر، حضور مدیر زن با کاهش اظهارنظر مردود در ارتباط است. چندین سازوکار احتمالی وجود دارد که تنوع جنسیت هیئت‌مدیره بر کنترل داخلی تأثیر می‌گذارد. اولاً بر اساس مطالعات صورت گرفته زنان در مقایسه با مردان، اطلاع‌رسانی بیشتری در خصوص تقلب دارند. با توجه به اینکه کنترل‌های داخلی ضعیف به مدیران ارشد امکان استفاده بیشتر از رفتارهای فرصت‌طلبانه و مدیریت سود را می‌دهد، انتظار می‌رود که هیئت‌مدیره‌های دارای تنوع جنسیتی، کمتر اجازه‌ی کنترل داخلی ضعیف را برای کیفیت گزارشگری مالی دهند. ثانیاً زنان در مقایسه با مردان ریسک‌گریزی بیشتری دارند. همچنین

1 Chen & Lin

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.61882/qjfep.13.49.163]

کنترل‌های داخلی ضعیف با واکنش‌های بازاری منفی در ارتباط است و امکان کارایی سرمایه‌گذاری را به شرکت و مدیران می‌دهد (چنگ و همکاران، 2013). مدیران زن تمایل بیشتری برای جذب در کمیته‌های نظارتی مانند کمیته‌ی حسابرسی داشته و حضور فعال‌تری دارند. شایان ذکر است زنان از سؤال پرسیدن واهمه‌ای ندارند، در حالی که مردان اغلب تصور می‌نمایند که همه چیز را می‌دانند (چن و لین، 2013).

حضور زنان در هیئت‌مدیره از دو منظر اجتماعی و اقتصادی قابل بحث است. از نظر اجتماعی زنان حق فرصت برابر همانند مردان در پست‌های مدیریتی دارند و از نظر اقتصادی سازمان به دور از جنسیت افراد باید به دنبال گزینش افراد اصلح برای پست‌های مدیریتی خود باشد. تبعیض جنسیتی باعث خواهد شد که سازمان از منابع انسانی به نحو احسن استفاده ننماید. (کارتر و همکاران ۲۰۱۰).

طی سال‌های اخیر رویکردهای نسبتاً جدیدی در ارتباط با به‌کارگیری زنان در مشاغل مهم و حتی حساس به وجود آمده است که می‌توان این اتفاق را در ایران در دولت نهم به بعد احساس نمود. استفاده از زنان در مقام وزارت و با معاونت ریاست جمهوری و نیز استفاده از مدیر زن به‌عنوان سخنگوی وزارت امور خارجه در دولت از مصادیق این رویکرد نو است. به‌کارگیری زنان نه تنها در مسائل اجتماعی و سیاسی بلکه در امور اقتصادی نیز می‌تواند اثرات به سزایی داشته باشد. حضور زنان در هیئت‌مدیره‌ی شرکت‌های تولیدی و خدماتی و همچنین شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس طی پژوهش‌های به عمل آمده مؤثر بوده است. حضور مدیر زن در رأس سازمان به عنوان مدیرعامل و یا به‌عنوان عضوی از هیئت‌مدیره شرکت اثرات مثبتی را می‌تواند به بهبود عملکرد با نظارت بیشتر از طرف مدیر زن با توجه به ویژگی شخصیتی آن‌ها و نیز ارتقا کیفیت ارائه‌ی گزارش‌های مالی، افزایش کارایی شرکت، افزایش بازدهی داشته باشد (مصلی و محمدپور، 2019). زنان و مردان در معرض توسعه‌های اخلاقی متفاوت، تمایل به بروز ارزش‌های متفاوت دارند که آن هم منجر به نگرش و رفتارهای گوناگون می‌شود. برای مثال مردان ارزش را به پول، پیشرفت و قدرت نسبت می‌دهند، در حالی که زنان بیشتر به روابط اجتماعی توجه دارند و

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.61882/qjfep.13.49.163]

علاقه‌مند هستند تا وظایف محوله را مؤثرتر انجام دهند و با احتمال بیشتری قوانین را پیروی می‌کنند.

3-2. اجتناب مالیاتی و استراتژی تجاری

گفته می‌شود که مالیات‌ها، کاهش جریان‌های نقدی در دسترس شرکت‌ها است. به این ترتیب، مالکان تمام تلاش خود را می‌کنند تا با استفاده از چندین روش اجتناب از مالیات، ثروت را به حداکثر برسانند. رفتارهای اجتناب از مالیات تحت تأثیر استراتژی‌های تجاری قرار گرفته و بستگی به این دارد که ویژگی‌های هر نوع استراتژی چگونه بر هزینه‌ها و منافع برنامه‌ریزی مالیاتی تأثیر می‌گذارد. شرکت‌های کاوشگر تمرکز کمتری بر به حداقل رساندن هزینه‌های مالیات بر درآمد دارند. بنابراین، به این ترتیب فعالیت‌های مربوط به برنامه‌ریزی مالیاتی و رعایت مالیات را برون‌سپاری خواهند کرد. این شرکت‌ها بیشتر بر نوآوری و توسعه تمرکز می‌کنند و تمرکز کمتری بر به حداقل رساندن هزینه است. در واقع، شرکت‌های مدافع اغلب تمایل بیشتری به تلاش برای اجتناب از پیچیدگی‌ها و هزینه‌های ناشی از گرفتن یک موقعیت مالیات تهاجمی در وهله اول دارند. در غیر این صورت، شرکت‌های کاوشگر این ریسک را متحمل می‌شوند و سعی می‌کنند با غیرقابل پیش‌بینی بودن برنامه‌ریزی مالیاتی خود کنار بیایند. شرکت‌هایی که بر بهبود و توسعه ایده‌های جدید تمرکز می‌کنند، شرکت‌های کاوشگر هستند و ممکن است مالیات بیشتری بپردازند. حداقل یک مدیر از کمیته حسابرسی و یک کارشناس مالی حضور دارد (ژانگ و همکاران، 2022). نوع استراتژی به کار گرفته شده توسط شرکت‌ها تا حدودی می‌تواند تعیین‌کننده سطح اجتناب مالیاتی شرکت‌ها باشد، چراکه استراتژی شرکت‌ها بر مبنای تمایل و رغبت آن‌ها در جهت مقابله با عدم اطمینانی است. شرکت‌های تدافعی دارای ساختار تولید محدود محصول و از هرگونه ریسک و عدم اطمینانی اجتناب می‌نمایند. در مقابل، شرکت‌های جسور دارای ساختار تولید متنوع محصول بر نوآوری و تغییرات تمرکز می‌نمایند. همچنین، این‌گونه از شرکت‌ها تأکید کمتری بر اجتناب از عدم اطمینانی می‌کنند. بر این اساس با توجه به ویژگی‌های

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.61882/qjfep.13.49.163]

هر گروه می‌توان رفتار اجتناب مالیاتی شرکت‌ها را تا حدودی پیش‌بینی کرد (بشیری جویباری، 1393).

4-2. اجتناب مالیاتی، استراتژی تجاری و تنوع جنسیتی

مالیات، کاهش جریان‌های نقدی در دسترس شرکت‌ها است. به این ترتیب، مالکان تمام تلاش خود را می‌کنند تا با استفاده از چندین روش اجتناب از مالیات، ثروت را به حداکثر برسانند تا سود سهام برای توزیع مناسب باشد. برخی معتقدند تهاجم مالیاتی[1]، می‌تواند بر بازده سهامداران تأثیر بگذارد. به این ترتیب، پاداش مدیران می‌تواند از پس‌انداز مالیاتی حاصل شود. مطالعات قبلی در مورد مدیریت مالیات، در درجه اول بر ویژگی‌های سطح شرکت از جمله: اندازه، فشردگی سرمایه[2]، میزان عملیات خارجی شرکت و تحقیق و توسعه متمرکز است. رفتارهای اجتناب از مالیات تحت تأثیر استراتژی‌های تجاری قرار گرفته و بستگی به این دارد که ویژگی‌های هر نوع استراتژی چگونه بر هزینه‌ها و منافع برنامه‌ریزی مالیاتی تأثیر می‌گذارد. علاوه بر این، برخی معتقدند که شرکت‌های آینده‌نگر تمرکز کمتری بر به حداقل رساندن هزینه‌های مالیات بر درآمد دارند. بنابراین، فعالیت‌های مربوط به برنامه‌ریزی مالیاتی و رعایت دستورالعمل‌های مالیاتی[3] را برون‌سپاری خواهند کرد. این قبیل شرکت‌ها، بیشتر بر نوآوری و توسعه متمرکز بوده و توجه کمتری بر به حداقل رساندن هزینه دارند. در واقعیت، مدافعان، اغلب تمایل بیشتری به تلاش برای اجتناب از پیچیدگی‌ها و هزینه‌های ناشی از گرفتن موقعیت مالیاتی تهاجمی در وهله اول دارند. در غیر این صورت، شرکت‌های آینده‌نگر این ریسک را متحمل می‌شوند و سعی می‌کنند با غیرقابل پیش‌بینی بودن برنامه‌ریزی مالیاتی خود کنار بیایند. شرکت‌هایی که بر بهبود و توسعه ایده‌های جدید تمرکز می‌کنند، آینده‌نگر هستند و ممکن است مالیات بیشتری بپردازند. در این شرکت‌ها، حداقل یک مدیر از کمیته حسابرسی و یک کارشناس امور مالی حضور دارد. بااین‌حال، برخی

1 Tax aggressiveness
2 Capital intensity
3 Tax compliance

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]
[DOI: 10.61882/qjfep.13.49.163]

معتقدند که استراتژی‌های تجاری شرکت‌هایی که بر مدیریت مالیات تأثیر می‌گذارند، قابل توجه نیستند. هیگینز و همکاران (2015) بیان می‌کنند که پتانسیل اجتناب از مالیات در شرکت‌های آینده‌نگر، مؤثرتر از مدافعان است. محیط بی‌ثبات کشورهای درحال‌توسعه، وضعیتی را ایجاد کرده است که برنامه‌ریزی بلندمدت شرکت را دچار مشکل می‌کند. بنابراین، در این شرایط، زمانی که کشورهای توسعه‌یافته، نظریه‌های برنامه‌ریزی بلندمدت را ترویج کرده و آن‌ها را اجرا می‌کنند، این نظریه‌ها، هنگام به‌کارگیری در بازارهای نوظهور با موانع بسیار زیادی مواجه می شوند.

از طرفی هیئت‌مدیره از جمله مکانیزم‌های داخلی حاکمیت شرکتی است که تأثیر زیادی بر عملکرد سازمان و رعایت حقوق ذی‌نفعان بنگاه اقتصادی دارد بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته به دنبال ایجاد نوعی تعادل جنسیتی در انتخاب اعضای هیئت‌مدیره شرکت‌ها هستند. تنوع جنسیتی هیئت‌مدیره به عنوان ابزار کنترلی در شرکت، تعیین‌کننده‌ی قدرت هیئت‌مدیره است. به نظر می‌رسد وجود زن در هیئت‌مدیره بر تهاجم مالیاتی تأثیر گذاشته و ظرفیت نظارتی یک سازمان را بهبود می‌بخشد. علاوه بر این، حضور زنان در هیئت‌مدیره سازمان برای ارتباط با تصمیمات مربوط به اجتناب مالیاتی پذیرفته‌شده است. مدیران زن، تلاش شجاعانه‌ای را به طور مداوم برای تنظیم رفتار شرکت که در برابر جامعه و سهامداران، مسئول است، انجام می‌دهند. زنان فعال در هیئت‌مدیره شرکت‌ها، خطرات را در جوامع تجاری مختلف ملاحظه نموده و نسبت به مردان محتاط‌تر هستند. زنان، بیشتر از اعضای مرد هیئت‌مدیره، در تصمیمات مربوط به گزارشگری مالیاتی تبعیت نموده و رفتار اخلاقی بیشتری در این خصوص از خود نشان می‌دهند. مدیران زن در هیئت‌مدیره گرایش به ریسک‌گریزی نشان داده و استانداردهای اخلاقی و اخلاقی بالایی دارند و تفکر مستقل خود را به نمایش می‌گذارند. بنابراین، حضور مدیران زن در هیئت‌مدیره، می‌تواند به طور قابل توجهی احتمال تهاجم مالیاتی را کاهش دهد. لذا، حضور زنان در هیئت‌مدیره می‌تواند بر نوع استراتژی تجاری و فعالیت‌های اجتناب مالیاتی شرکت مؤثر باشد زیرا زنان، دارای روحیه محافظه‌کارانه و بررسی دقیق فعالیت‌ها و کنترل‌های داخلی شرکت هستند و دنبال استراتژی‌های

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.61882/qjfep.13.49.163]

مدافعانه بیشتر هستند که این می‌تواند بر فعالیت اجتناب مالیاتی شرکت مؤثر باشد. بنابراین، حضور زنان در هیئت‌مدیره می‌تواند به شرکت در راستای دستیابی به یک هزینه مالیات مناسب با نرخ مؤثر مالیاتی کمتر، کمک نماید (ژانگ و همکاران، 2022).

با توجه به مطالب ذکر شده در بالا، فرضیه‌های پژوهش به صورت زیر تدوین می‌گردند:

فرضیه اول: بین استراتژی تجاری آینده‌نگر و اجتناب مالیاتی رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه دوم: تنوع جنسیتی هیئت‌مدیره رابطه استراتژی تجاری آینده‌نگر و اجتناب مالیاتی را تعدیل می‌کند.

فرضیه سوم: بین استراتژی تجاری تدافعی و اجتناب مالیاتی رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه چهارم: تنوع جنسیتی هیئت‌مدیره رابطه استراتژی تجاری تدافعی و اجتناب مالیاتی را تعدیل می‌کند.

در ادامه به برخی از پژوهش‌های انجام شده در زمینه موضوع تحقیق به شرح زیر پرداخته شده است:

باغانی و دستخطگشتی (1403) به بررسی ارتباط بین تنوع جنسیتی در هیئت‌مدیره بر رابطه بین استراتژی کسب‌وکار و مالیات تهاجمی پرداختند. نتایج نشان داد بین تنوع جنسیتی با مالیات تهاجمی رابطه غیر معنی‌دار وجود دارد و نقش تعدیلگر تنوع جنسیتی در هیئت‌مدیره بر رابطه بین استراتژی کسب‌وکار و مالیات تهاجمی نیز معنی‌دار نیست.

کاظمی سراسکانرود و شیرخدایی (1402) به بررسی تأثیر روابط سیاسی بر اجتناب مالیاتی با نقش تعدیلگر مسئولیت اجتماعی منابع انسانی در شرکت‌های کوچک و متوسط در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج نشان می‌دهد که روابط سیاسی شرکت بر اجتناب مالیاتی آن تأثیر دارد و مسئولیت اجتماعی منابع انسانی در ارتباط بین روابط سیاسی شرکت و اجتناب مالیاتی نقش تعدیلگر دارد.

خواجوی و همکاران (1401) در پژوهشی به بررسی آثار ضعف کنترل‌های داخلی بر اجتناب مالیاتی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. از این رو، پژوهش

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.61882/qjfep.13.49.163]

حاضر در پی یافتن پاسخی برای این پرسش است که: آیا بین ضعف کنترل‌های داخلی و اجتناب مالیاتی شرکت‌ها رابطه معناداری وجود دارد؟ نتایج حاصل از پژوهش نشان‌دهنده آن است که بین ضعف کنترل‌های داخلی و اجتناب مالیاتی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین، نتایج به دست آمده از پژوهش بیانگر پایین بودن میزان نرخ مؤثر مالیاتی در شرکت‌های دارای ضعف بالا در کنترل‌های داخلی است اما این مورد در خصوص تفاوت دفتری مالیات مصداق پیدا نمی‌کند.

میر احمدی (1401) در پژوهشی به بررسی اهمیت نقش کیفیت محیط اطلاعاتی داخلی در اجتناب مالیاتی پرداختند. نتایج حاکی از آن است که یک محیط اطلاعاتی داخلی باکیفیت می‌تواند منجر به کاهش نرخ مؤثر مالیاتی شده؛ اگرچه هزینه‌های نمایندگی اجتناب از پرداخت مالیات و بهای خرید اطلاعاتی توسط شرکت، موانعی را بر سر راه کارکرد اجتناب از پرداخت مالیات و فزونی ثروت مالکان ایجاد کرده است.

صراف و همکاران (1400) در پژوهشی به بررسی اجتناب مالیاتی و کارایی سرمایه‌گذاری با تأکید بر مقایسه‌پذیری صورت‌های مالی و رقابت در بازار محصول پرداختند. نتایج نشان داد که اجتناب از مالیات می‌تواند منجر به افزایش انحراف از سطح مورد انتظار سرمایه‌گذاری و بروز ناکارآمدی سرمایه‌گذاری شود و در صورت مداخله مقایسه‌پذیری صورت‌های مالی و رقابت در بازار محصول، این رابطه تعدیل خواهد شد. به طوری‌که مقایسه‌پذیری صورت‌های مالی این رابطه را تضعیف و رقابت در بازار محصول این رابطه را تشدید می‌کند.

حمدیا و همکاران[1] (2024) در تحقیق تأثیر اجرای استراتژی تجاری یک شرکت بر میزان اجتناب مالیاتی با عدم قطعیت محیطی به عنوان متغیر تعدیل‌کننده را مورد بررسی قرار دادند. این تحقیق سه یافته مهم را به دست آورد. اول، استراتژی جستجوگر تأثیر مثبت قابل توجهی بر اجتناب

1 Hamdiah et al.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.61882/qjfep.13.49.163]

از مالیات نسبت به استراتژی‌های مدافع و تحلیلگر دارد. دوم، استراتژی مدافع به طور منفی و کمتر تهاجمی بر اجتناب مالیاتی در مقایسه با استراتژی‌های جستجوگر و تحلیلگر تأثیر می‌گذارد. سوم، رابطه بین استراتژی تجاری و اجتناب مالیاتی توسط عدم قطعیت محیطی تعدیل می‌شود.

اکبر و میریانی[1] (2023) به مطالعه اثر استراتژی تجاری و عدم اطمینان محیطی بر اجتناب مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار اندونزی پرداختند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که استراتژی‌های کسب‌وکار جستجوگر و مدافع تأثیر معنی‌داری بر اجتناب مالیاتی دارند، در حالی که عدم اطمینان محیطی تأثیری بر اجتناب مالیاتی ندارد.

راکیا و همکاران[2] (2023) در مطالعه‌ای به بررسی اثر تعدیل‌کننده مدیران زن بر رابطه بین مسئولیت اجتماعی شرکت (CSR) و اجتناب از مالیات 77 شرکت بورسی مالزی در سنوات 2010 الی 2017 پرداختند. نتایج نشان داد که سطح بالای CSR با اجتناب از مالیات در شرکت‌های با درصد بالاتر زنان در هیئت‌مدیره، ارتباط منفی دارد.

ژانگ و همکاران (2022) در پژوهشی به بررسی ارتباط استراتژی تجاری و اجتناب مالیاتی با بررسی نقش تعدیلی تنوع جنسیتی هیئت‌مدیره پرداختند. جامعه آماری شامل 575 مشاهده در سال‌های 2013 الی 2017 بوده است. نتایج پژوهش نشان داد که بین استراتژی تجاری تهاجمی و اجتناب مالیاتی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد ولی بین استراتژی تجاری تدافعی و اجتناب مالیاتی رابطه منفی و معناداری وجود دارد. همچنین، تنوع جنسیتی رابطه بین استراتژی تجاری تهاجمی و اجتناب مالیاتی را افزایش می‌دهد ولی رابطه بین استراتژی تجاری تدافعی و اجتناب مالیاتی را کاهش می‌دهد.

هوانگ و ژانگ[3] (2020) در پژوهشی به بررسی تأثیر دانش مالی مدیرعامل بر اجتناب مالیاتی در سال‌های 1993 الی 2013 بوده است. جامعه آماری شامل 150 شرکت آمریکایی

1 Akbar & Meiryani
2 Rakia et al.
3 Huang & Zhang

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]
[DOI: 10.61882/qjfep.13.49.163]

بوده است. نتایج پژوهش نشان داد که دانش مالی مدیرعامل بر اجتناب مالیاتی اثر مثبتی دارد. همچنین، داشتن سازوکارهای نظارتی قوی می‌تواند اثر دانش مالی مدیرعامل بر اجتناب مالیاتی را افزایش دهد.

تیلور[1] و همکاران (2019) در پژوهشی به بررسی ارتباط بین کارایی سرمایه‌گذاری نیروی کار و اجتناب مالیاتی در شرکت‌های آمریکایی در سال‌های 1960-2014 پرداختند. نتایج حاصل از رگرسیون نشان می‌دهد که بین کارایی سرمایه‌گذاری نیروی کار و اجتناب مالیاتی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

در اغلب پژوهش‌های داخلی ویژگی‌های متعددی از شرکت‌ها و تأثیر آن‌ها بر اجتناب مالیاتی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. برخی صرفاً به بررسی ارتباط بین استراتژی تجاری و اجتناب مالیاتی پرداخته‌اند و برخی دیگر با استفاده از متغیرهای تعدیل‌گر به بررسی این رابطه پرداخته‌اند. برخی نیز بدون طبقه‌بندی انواع استراتژی‌های کسب‌وکار بر اساس طبقه‌بندی مایلز و میلر، به صورت کلی به استراتژی کسب‌وکار پرداخته‌اند. اما تاکنون پژوهشی در داخل کشور به بررسی تأثیر تنوع جنسیتی هیئت‌مدیره بر رابطه بین استراتژی تجاری (بر اساس سه نوع آینده‌نگر و تدافعی) و اجتناب مالیاتی نپرداخته است و لذا پژوهش حاضر از این حیث، نوآوری دارد.

3. روش‌شناسی پژوهش

تحقیق حاضر از لحاظ هدف، کاربردی و از لحاظ ماهیت و روش، توصیفی- همبستگی و پس‌رویدادی (تاریخی) است. به منظور تجزیه‌وتحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌های تحقیق از مدل رگرسیون خطی چندگانه استفاده گردیده است. به منظور انجام پژوهش، داده‌های کمی مورد نیاز از صورت‌های مالی حسابرسی شده شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران و سایر گزارش‌های مالی آن‌ها و همچنین سایت کدال استخراج شده است. داده‌ها پس از جمع‌آوری در صفحه گسترده اکسل، مرتب و طبقه‌بندی شده و درنهایت با استفاده از نرم‌افزار آماری ایویوز 10

1 Taylor

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.61882/qjfep.13.49.163]

مورد تجزیه‌وتحلیل قرار گرفت. جامعه آماری شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران که از سال 1395 تا 1401 است. پس از اعمال شرایط، تعداد 140 شرکت پذیرفته‌شده در بورس تهران انتخاب گردیدند.

در این پژوهش، از مدل‌های رگرسیونی زیر برای آزمون فرضیه‌های پژوهش استفاده خواهد شد:

رابطه 1) آزمون فرضیه اول و دوم پژوهش

$$GAAP_ETR_{it} = \beta_0 + \beta_1 PROSTRA_{it} + \beta_2 FD_{it} + \beta_3 (PROSTRA_{it} * FD_{it}) + \beta_4 SIZE_{it} + \beta_5 MTB_{it} + \beta_6 ROA_{it} + \beta_7 Z - Score_{it} + \beta_8 LOSS_{it} + \varepsilon_{it}$$

رابطه 2) آزمون فرضیه سوم و چهارم پژوهش

$$GAAP_ETR_{it} = \beta_0 + \beta_1 DEFSTRA_{it} + \beta_2 FD_{it} + \beta_3 (DEFSTRA_{it} * FD_{it}) + \beta_4 SIZE_{it} + \beta_5 MTB_{it} + \beta_6 ROA_{it} + \beta_7 Z - Score_{it} + \beta_8 LOSS_{it} + \varepsilon_{it}$$

که در آن تعریف عملیاتی متغیرها به صورت زیر است:

3-1. متغیر مستقل و وابسته پژوهش

در این پژوهش اجتناب مالیاتی متغیر وابسته است که برای اندازه‌گیری آن از نرخ مؤثر مالیاتی دفتری ($GAAP_ETR_{it}$) استفاده شده است. نرخ مؤثر مالیاتی برابر است با نسبت هزینه مالیات ابرازی به سود خالص قبل از کسر مالیات. هر قدر این عدد کوچک‌تر باشد، نشان‌دهنده فعالیت اجتناب مالیاتی بیشتری است. برای حل این مشکل نرخ مؤثر مالیاتی در عدد (1-) ضرب خواهد شد.

در این پژوهش نوع استراتژی کسب‌وکار (تجاری) شرکت، متغیر مستقل پژوهش است که به شرح جداول 1 و 2 محاسبه می‌شود:

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.61882/qjfep.13.49.163]

جدول 1. معیارهای اندازه‌گیری استراتژی کسب‌وکار (تجاری) شرکت

ردیف	شرح
1	نسبت هزینه تحقیق و توسعه به فروش کل
2	درصد تغییر یک ساله در فروش کل
3	نسبت هزینه عمومی، اداری و فروش به فروش کل
4	نسبت تعداد کارکنان به فروش کل
5	انحراف معیار تعداد کارکنان در ۳ سال
6	شدت سرمایه (خالص اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات یا «دارایی ثابت»، تقسیم بر جمع دارایی‌های پایان سال)

جدول 2. نحوه امتیازدهی نهایی برای استراتژی تجاری شرکتی

ردیف	1	2	3	4	5	6	جمع
پنجک اول	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۶
پنجک دوم	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۱۲
پنجک سوم	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۱۸
پنجک چهارم	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۲۴
پنجک پنجم	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۳۰
از امتیازهای حاصله برای تشخیص نوع استراتژی به شرح زیر در سه دسته طبقه‌بندی شده‌اند: امتیاز 12-6: استراتژی تدافعی، امتیاز 23-13: استراتژی تحلیل‌گرایانه، امتیاز 30-24: استراتژی آینده‌نگر (تهاجمی)							

پس از مشخص شدن نوع استراتژی کسب‌وکار (تجاری)، باید از یک متغیر مجازی استفاده شود:

$PROSTRA_{it}$: اگر استراتژی شرکت آینده‌نگر (تهاجمی) باشد عدد یک و در غیر این صورت صفر است.

$DEFSTRA_{it}$: اگر استراتژی شرکت تدافعی باشد عدد یک و در غیر این صورت صفر است.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.61882/qjfep.13.49.163]

3-2. متغیر تعدیلگر پژوهش

در این پژوهش جنسیت هیئت‌مدیره (FD_{it}) متغیر تعدیل‌گر است که برابر است با نسبت تعداد زنان هیئت‌مدیره به کل اعضای هیئت‌مدیره شرکت.

3-3. متغیرهای کنترلی پژوهش

1. اندازه شرکت ($SIZE_{it}$): اندازه شرکت است که از طریق لگاریتم طبیعی ارزش دفتری جمع دارایی‌ها در پایان دوره محاسبه می‌شود.
2. رشد شرکت (MTB_{it}): متغیر اندازه‌گیری رشد شرکت که برابر است با نسبت ارزش بازار حقوق صاحبان سهام به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام شرکت i در سال t.
3. نرخ بازده دارایی‌ها (ROA_{it}): متغیر اندازه‌گیری عملکرد شرکت است که برابر است با نسبت سود خالص به ارزش دفتری دارایی‌های شرکت i در سال t.
4. ریسک ورشکستگی ($Z\text{-}Score_{it}$): متغیر اندازه‌گیری ریسک ورشکستگی است که در پژوهش تهرانی و حصارزاده (1388) با استفاده از رابطه زیر میزان ریسک ورشکستگی را شناسایی کرده‌اند. بر طبق این شاخص، شرکت‌هایی که Z بالاتری دارند، دارای ریسک ورشکستگی بالاتری هستند:

رابطه 3:

$$Z= 17.330-37.486(CASH_{it}) -15.216(DIV_{it})+3.394 (LEV_{it})-1.402(QTOBIN_{it})$$

$CASH_{it}$: برابر است با وجوه نقد بعلاوه سرمایه‌گذاری‌های کوتاه‌مدت.

DIV_{it}: برابر است با نسبت سود تقسیمی به سود خالص شرکت i در سال t.

LEV_{it}: برابر است با نسبت ارزش دفتری بدهی‌ها به ارزش دفتری دارایی‌های شرکت i در سال t.

$QTOBIN_{iT}$: برابر است با نسبت ارزش بازار دارایی‌ها (ارزش دفتری بدهی به‌علاوه ارزش بازار حقوق صاحبان سهام) به ارزش دفتری دارایی‌ها.

5. متغیر زیان شرکت ($LOSS_{it}$): نوعی متغیر مجازی است که اگر شرکت زیان‌ده باشد، عدد یک و در غیر این صورت صفر می‌پذیرد.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.61882/qjfep.13.49.163]

4. یافته‌های پژوهش

اطلاعات مربوط به آمار توصیفیِ متغیرهای مربوط به دو مدل ارائه شده در پژوهش اعم از متغیرهای مستقل، وابسته، تعدیل‌گر و کنترلی از داده‌های 7 ساله شرکت‌ها (1395- 1401) گردآوری شده است. نتایج آمار توصیفی متغیرهای پژوهش در جدول 3 آورده شده است که بخش اول این جدول بیانگر پارامترهای توصیفی برای هر متغیر به صورت مجزاست و در بخش دوم آن، فراوانی مطلق و درصد فراوانی نسبی برای متغیر مجازیِ پژوهش ارائه شده است.

جدول 3: آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

	نام متغیر	نماد	میانگین	میانه	انحراف معیار	کمینه	بیشینه
متغیرهای کمی پژوهش	اجتناب مالیاتی	$GAAP_ETR_{it}$	0/094	0/082	0/095	0/000	0/343
	تنوع جنسیتی هیئت‌مدیره	FD_{it}	0/016	0	0/054	0	0/200
	اندازه شرکت	$SIZE_{it}$	14/399	14/335	1/389	10/532	20/060
	رشد شرکت	MTB_{it}	3/778	2/838	2/768	0/678	8/673
	نرخ بازده دارایی‌ها	ROA_{it}	0/064	0/061	0/157	-0/548	0/472
	ریسک ورشکستگی	$Z\text{-}Score_{it}$	1/741	1/708	1/345	-0/527	4/188
متغیرهای کمی پژوهش	نام متغیر	نماد	شرط		فروانی مطلق		درصد فراوانی
	استراتژی آینده‌نگر (تهاجمی)	$PROSTRA_{it}$	دارد= 1		140		٪14
			ندارد= 0		840		٪86
			کل		980		٪100
	استراتژی گذشته‌نگر (تدافعی)	$DEFSTRA_{it}$	دارد= 1		245		٪25
			ندارد= 0		735		٪75
			کل		980		٪100
	متغیر زیان شرکت	$LOSS_{it}$	دارد= 1		215		٪22
			ندارد= 0		765		٪78
			کل		980		٪100

مأخذ: یافته‌های پژوهش

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.61882/qjfep.13.49.163]

در جدول 3 میانگین متغیر اجتناب مالیاتی (نرخ مؤثر مالیاتی) تقریباً 0/094، میانه 0/082، دارای حداقل مقدار 0/000 و حداکثر مقدار 0/343 که انحراف معیاری در حدود 0/095 دارد. میانگین این متغیر نشان می‌دهد که متوسط هزینه مالیات ابزاری در 980 مشاهده سال- شرکت، معادل 9/4 درصد سود خالص قبل از کسر مالیات آن‌ها بوده است. همچنین شرکت‌هایی که زیان داشته‌اند، از پرداخت مالیات معاف بودند و در سال- شرکتی نیز، هزینه مالیات ابرازی معادل 34 درصد سود آن بوده است، یعنی در این شرکت، نرخ مؤثر مالیاتی بسیار بالا بوده است و به موازات آن، کمترین مدیریت مالیات (اجتناب مالیاتی) را دارا است. همچنین، نتایج پژوهش نشان داد که از کل اعضای هیئت‌مدیره به طور میانگین حدود 1.6 درصد از اعضای هیئت‌مدیره زن هستند.

در بخش دوم جدول 3، در بررسی نوع استراتژی کسب‌وکار ملاحظه می‌گردد که حدود 14 درصد از مشاهدات مورد بررسی دارای استراتژی تهاجمی (آینده‌نگر) بوده‌اند در حالی که حدود 25 درصد از مشاهدات نیز دارای استراتژی تدافعی هستند. مابقی مشاهدات دارای استراتژی تحلیل‌گر (میانه‌رو) بوده‌اند. این نتایج نشان می‌دهد که شرکت‌ها نمونه تمایل کمتری به استفاده از استراتژی آینده‌نگر به دلیل شرایط فعلی اقتصادی کشور و ریسک‌پذیری بالای این نوع استراتژی دارند. همچنین، درصد فروانی نسبی متغیر مجازی زیان شرکت 22٪ بوده است. این رقم نشان می‌دهد که به طور متوسط حدود 22 درصد از مشاهدات مورد بررسی (حدود 215 مشاهده سال- شرکت) زیان خالص گزارش نموده‌اند و 78 درصد از مشاهدات (حدود 765 مشاهده سال- شرکت) دارای سود خالص بوده‌اند.

در این پژوهش به دلیل بیشتر بودن تعداد شرکت‌های مورد بررسی (140 شرکت) از دوره زمانی مورد مطالعه (7 سال) از آزمون ریشه واحد هریس و تزاوالیس (1999) استفاده شده که نتایج به صورت جدول زیر است:

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.61882/qjfep.13.49.163]

جدول 4: نتایج آزمون ریشه واحد هریس و تزاوالیس برای بررسی پایایی متغیرهای تحقیق

نام متغیر	مقدار آماره Z	ارزش احتمال (PV)
$GAAP_ETR_{it-1}$	-3/142	0/000
$PROSTRA_{it}$	-4/623	0/005
FD_{it}	-5/481	0/000
$SIZE_{it}$	-2/264	0/011
MTB_{it}	-7/825	0/010
ROA_{it}	-6/362	0/000
$Z\text{-}Score_{it}$	-8/183	0/000
$LOSS_{it}$	-4/249	0/008

نتایج جدول (4) نشان می‌دهد متغیرهای پژوهش در سطح معنی‌دار 5 درصد در سطح پایا بوده و نیازی به بررسی آزمون‌های هم‌جمعی بین متغیرها نیست. در ادامه در جداول 5 و 6 با بهره‌گیری از روش داده‌های تابلویی پویا و تخمین‌زننده گشتاور تعمیم‌یافته به برآورد مدل با در نظر گرفتن متغیر وابسته نرخ بازده دارایی پرداخته شده است.

4-1. آزمون فرضیه‌های پژوهش

نتایج به دست آمده از جدول 5 نشان‌دهنده این است که سطح معناداریِ متغیر استراتژی تجاری آینده‌نگر یا مهاجم ($PROSTRA_{it}$) برابر با 0/0084 و مقدار ضریب آن 0/154 است. با توجه به سطح معناداریِ کمتر از 1 درصد، فرضیه اول تأیید می‌شود و با توجه به علامت مثبتِ ضریب به دست آمده، می‌توان استدلال کرد که فرضیه اول در جهت مثبت تأیید می‌شود و در واقع می‌توان گفت که بین استراتژی تجاری آینده‌نگر و اجتناب مالیاتی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد؛ یعنی در شرکت‌هایی که نوع استراتژی آینده‌نگر است، میزان اجتناب مالیاتی شرکت‌ها بیشتر است. این نتیجه‌گیری مبین تأیید فرضیه اول پژوهش در جهت مثبت است.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.61882/qjfep.13.49.163]

جدول 5: نتایج برازش مدل رگرسیونی اول پژوهش به روش داده‌های تابلویی پویا (GMM)

متغیر	نماد	PS	ضریب (آماره t)
نرخ مؤثر مالیاتی با یک وقفه	$GAAP_ETR_{it-1}$	+	0/573*** (3/635)
استراتژی تجاری تهاجمی (آینده‌نگر)	$PROSTRA_{it}$	+	0/154*** (2/527)
تنوع جنسیتی هیئت‌مدیره	FD_{it}	+	0/162*** (3/225)
تنوع جنسیتی هیئت‌مدیره *استراتژی آینده‌نگر	$PROSTRA_{it} \times FD_{it}$	+	0/274*** (2/825)
اندازه شرکت	$SIZE_{it}$	+	0/0065* (1/321)
رشد شرکت	MTB_{it}	+	0/284*** (2/342)
نرخ بازده دارایی‌ها	ROA_{it}	+	0/081** (2/762)
ریسک ورشکستگی	$Z\text{-}Score_{it}$	−	-0/054** (-3/851)
متغیر زیان شرکت	$LOSS_{it}$	−	-0/514* (-3/149)
مقدار ثابت	β_0	؟	0/561*** (2/893)
آزمون اتورگرسیو مرتبه اول (Test for AR1 errors (z))			-4/0456 [0/0000]
سارگان تست (Sargan over – identification test (Chi2))			28/3145 [0/1231]
والد تست (Wald (joint) test (Chi2))			5064/3421 [0/0000]
(Wald (time dummies) test (Chi2))			574/6748 [0/0000]
تعداد مشاهدات (Observations)			980

مأخذ: یافته‌های پژوهش

***: سطح معنی‌داریِ کمتر از 1 درصد

**: سطح معنی‌داریِ کمتر از 5 درصد

*: سطح معنی‌داریِ کمتر از 10 درصد

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.61882/qjfep.13.49.163]

علاوه بر آن، نتایج به دست آمده از جدول 5 نشان‌دهنده این است که سطح معناداریِ متغیر تنوع جنسیتی هیئت‌مدیره در استراتژی آینده‌نگر یا تهاجمی ($PROSTRA_{it} \times FD_{it}$) برابر با 0/0073 و مقدار ضریب آن 0/274 است. با توجه به سطح معناداریِ کمتر از 1 درصد، فرضیه دوم تأیید می‌شود و با توجه به علامت مثبتِ ضریب به دست آمده، می‌توان استدلال کرد که فرضیه دوم در جهت مثبت تأیید می‌شود و در واقع می‌توان گفت که تنوع جنسیتی هیئت‌مدیره رابطه استراتژی تجاری آینده‌نگر و اجتناب مالیاتی را تقویت می‌کند؛ یعنی در شرکت‌های که عضویت زنان در هیئت‌مدیره بالاتر است، رابطه استراتژی تجاری آینده‌نگر و اجتناب مالیاتی بیشتر است. این نتیجه‌گیری مبین تأیید فرضیه دوم پژوهش در جهت مثبت است.

بر اساس مقادیر به دست آمده از جدول (5)، با عنایت به اینکه آزمون اتورگرسیو مرتبه اول، زیر 5٪ است، وقفه متغیر وابسته، معتبر بوده و می‌تواند در مدل وارد شود. علاوه بر آن، سارگان تست بیش از 5٪ است و این نشان‌دهنده‌ی آن است که ابزارهای مدل معتبر هستند. با توجه به مقدار به دست آمده برای تست والد، معنی‌داری کل مدل تأیید می‌گردد.

همچنین نتایج به دست آمده از جدول 6، نشان‌دهنده این است که سطح معناداریِ متغیر استراتژی تجاری گذشته‌نگر یا مدافع ($DEFSTRA_{it}$) برابر با 0/0095 و مقدار ضریب آن 0/166- است. با توجه به سطح معناداریِ کمتر از 1 درصد، فرضیه سوم تأیید می‌شود و با توجه به علامت منفی ضریب به دست آمده، می‌توان استدلال کرد که فرضیه سوم در جهت منفی تأیید می‌شود و در واقع می‌توان گفت که بین استراتژی تجاری گذشته‌نگر و اجتناب مالیاتی رابطه منفی و معناداری وجود دارد؛ یعنی در شرکت‌هایی که نوع استراتژی گذشته‌نگر (مدافع) است، میزان اجتناب مالیاتی شرکت‌ها کمتر است. این نتیجه‌گیری مبین تأیید فرضیه سوم پژوهش در جهت منفی است.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.61882/qjfep.13.49.163]

جدول 6: نتایج برازش مدل رگرسیونی دوم پژوهش به روش داده‌های تابلویی پویا (GMM)

متغیر	نماد	PS	ضریب (آماره t)
نرخ مؤثر مالیاتی با یک وقفه	$GAAP_ETR_{it-1}$	+	0/497*** (3/521)
استراتژی تجاری تدافعی (گذشته‌نگر)	$PROSTRA_{it}$	–	-0/166*** (-2/884)
تنوع جنسیتی هیئت‌مدیره	FD_{it}	+	0/264*** (3/641)
تنوع جنسیتی هیئت‌مدیره *استراتژی گذشته‌نگر	$PROSTRA_{it} \times FD_{it}$	–	-0/289*** (-2/915)
اندازه شرکت	$SIZE_{it}$	+	0/005* (1/312)
رشد شرکت	MTB_{it}	+	0/143** (2/541)
نرخ بازده دارایی‌ها	ROA_{it}	+	0/093*** (2/645)
ریسک ورشکستگی	$Z\text{-}Score_{it}$	–	-0/414** (-3/634)
متغیر زیان شرکت	$LOSS_{it}$	–	-0/023* (-3/719)
مقدار ثابت	β_0	+	0/284** (2/318)
آزمون اتورگرسیو مرتبه اول (Test for AR1 errors (z))			-5/1534 [0/0000]
سارگان تست (Sargan over – identification test (Chi2))			29/7524 [0/1492]
والد تست (Wald (joint) test (Chi2))			5264/331 [0/0000]
(Wald (time dummies) test (Chi2))			582/8524 [0/0000]
تعداد مشاهدات (Observations)			980

مأخذ: یافته‌های پژوهش

***: سطح معنی‌داریِ کمتر از 1 درصد

**: سطح معنی‌داریِ کمتر از 5 درصد

*: سطح معنی‌داریِ کمتر از 10 درصد

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.61882/qjfep.13.49.163]

نتایج به دست آمده از جدول 6 نشان‌دهنده این است که سطح معناداریِ متغیر تنوع جنسیتی هیئت‌مدیره در استراتژی گذشته‌نگر یا مدافع ($DEFSTRA_{it} * FD_{it}$) برابر با 0/0052 و مقدار ضریب آن 0/289- است. با توجه به سطح معناداریِ کمتر از 1 درصد، فرضیه چهارم تأیید می‌شود و با توجه به علامت منفی ضریب به دست آمده، می‌توان استدلال کرد که فرضیه چهارم در جهت منفی تأیید می‌شود و در واقع می‌توان گفت که تنوع جنسیتی هیئت‌مدیره رابطه استراتژی تجاری آینده‌نگر و اجتناب مالیاتی را تضعیف می‌کند؛ یعنی در شرکت‌های که عضویت زنان در هیئت‌مدیره بالاتر است، رابطه استراتژی تجاری مدافع و اجتناب مالیاتی کمتر است. این نتیجه‌گیری مبین تأیید فرضیه چهارم پژوهش در جهت منفی است.

با عنایت به اینکه آزمون اتورگرسیو مرتبه اول، زیر 5٪ است، وقفه متغیر وابسته، معتبر بوده و می‌تواند در مدل وارد شود. علاوه بر آن، سارگان تست بیش از 5٪ است و این نشان‌دهنده‌ی آن است که ابزارهای مدل معتبر هستند. با توجه به مقدار به دست آمده برای تست والد، معنی‌داری کل مدل تأیید می‌گردد.

5. بحث و نتیجه‌گیری

این تحقیق با هدف ارتباط بین حاکمیت شرکتی، استراتژی تجاری و اجتناب مالیاتی بر اساس نمونه‌ای از 140 شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، انجام شد. علاوه بر این، این مطالعه بررسی می‌کند که چگونه استراتژی کسب‌وکار بر اقدامات اجتناب مالیاتی شرکت در هنگام حضور مدیران زن تأثیر می‌گذارد. محرک و انگیزه اصلی این پژوهش بررسی ارتباط استراتژی تجاری و اجتناب مالیاتی است. در طول سال‌های اخیر، مفهوم استراتژی توسط محققان مورد توجه قرار گرفته است. استراتژی، در واقع پاسخ مدیران ارشد به محدودیت‌ها و فرصت‌هایی است که با آن‌ها مواجهه می‌شوند. در علم مدیریت، تدوین استراتژی یکی از وظایف خطیر مدیریتی است و مبنای تصمیم‌گیری‌های حیاتی مدیران برای حفظ بقای سازمان و تعالی آن است. از طرفی، شرکت‌ها شکل‌های مختلفی از برنامه‌ریزی مالیاتی را برای کاهش بدهی‌های مالیاتی مورد انتظار خود بکار می‌گیرند. بااین‌حال، این مزایای مورد انتظار، بدون هزینه نیست. از طرف

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.61882/qjfep.13.49.163]

دیگر تنوع جنسیتی هیئت‌مدیره می‌تواند بر رابطه بین استراتژی تجاری و اجتناب مالیاتی تأثیر داشته باشد. حضور زنان در هیئت‌مدیره می‌تواند بر نوع استراتژی تجاری و فعالیت‌های اجتناب مالیاتی شرکت مؤثر باشد زیرا زنان دارای روحیه محافظه‌کارانه و بررسی دقیق فعالیت‌ها و کنترل‌های داخلی شرکت هستند و دنبال استراتژی‌های تدافعی بیشتر هستند که این می‌تواند بر فعالیت اجتناب مالیاتی شرکت مؤثر باشد. بنابراین، حضور زنان در هیئت‌مدیره می‌تواند به شرکت در راستای دستیابی به یک هزینه مالیات مناسب با نرخ مؤثر مالیاتی کمتر کمک نماید.

نتایج فرضیه اول نشان داد که بین استراتژی تجاری آینده‌نگر و اجتناب مالیاتی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد؛ یعنی در شرکت‌هایی که نوع استراتژی آینده‌نگر است، میزان اجتناب مالیاتی شرکت‌ها بیشتر است. شرکت‌هایی با استراتژی آینده‌نگر (تهاجمی[1]) نسبت به سایر شرکت‌ها از ثبات کمتری برخوردار هستند که این امر منجر به این می‌شود که این شرکت‌ها به دنبال فعالیت‌های اجتناب مالیاتی بیشتری باشند تا از این طریق به منابع مالی بیشتری برسند. از آنجایی که این‌گونه شرکت‌ها در معرض خطر بیشتری قرار دارند، بیشتر به دنبال اجتناب مالیاتی هستند تا جریان خروجی وجوه نقد (به اداره دارایی) را کاهش دهند و منافع صاحبان سهام را افزایش دهند. اعمال محافظه‌کاری بیشتر برای شرکت‌های آینده‌نگر، موجب افزایش فعالیت‌های اجتناب مالیاتی و کاهش نرخ مؤثر مالیاتی برای شرکت می‌شود. بر اساس مبانی نظری، استراتژی آینده‌نگر بیشتر به ریسک‌پذیری رقابتی منجر می‌شود و احتمالاً شرکت، بیشتر در فعالیت‌های اجتناب مالیاتی وارد می‌شود. مدیران شرکت‌های آینده‌نگر، حساسیت کمتری به ابهام‌های مربوط به اجتناب مالیاتی دارند و به احتمال بیشتر، آستانه تحمل بیشتری برای جریمه‌های مالیاتی احتمالی یا تهدیدهای مربوط به بدنامی شرکت به‌واسطه افشاگری عمومی اجتناب مالیاتی دارند؛ بنابراین، مدیرانی که استراتژی آینده‌نگر دارند، احتمالاً در برنامه‌ریزی مالیاتی رفتار تهاجمی نیز دارند. این نتیجه‌گیری مبین تأیید فرضیه اول پژوهش در جهت مثبت است و نتایج حاصل شده از این فرضیه

1 Prospective Strategy

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.61882/qjfep.13.49.163]

با نتایج پژوهش ژانگ و همکاران (2022) و مرفوع و همکاران (1398) همسو بوده و با نتایج پژوهش بشیری جویباری (1393)، حمدیا و همکاران (2024) و اکبر و میریانی (2023) هم‌راستا نیست.

نتایج فرضیه دوم نشان داد که تنوع جنسیتی هیئت‌مدیره رابطه استراتژی تجاری آینده‌نگر و اجتناب مالیاتی را تقویت می‌کند؛ یعنی در شرکت‌های که عضویت زنان در هیئت‌مدیره بالاتر است، رابطه استراتژی تجاری آینده‌نگر و اجتناب مالیاتی بیشتر است. کنترل و نظارت مهم‌ترین وظیفه‌ی هیئت‌مدیره است. با توجه به نقش نظارتی هیئت‌مدیره، ابزار مهمی برای کاهش هزینه‌های نمایندگی است. زنان در هیئت‌مدیره مستقل‌تر از مردان عمل می‌نمایند که این امر در انجام نظارت مؤثر به عنوان وظیفه هیئت‌مدیره حائز اهمیت است. این نتیجه‌گیری مبین تأیید فرضیه دوم پژوهش در جهت مثبت است و نتایج حاصل شده از این فرضیه با نتایج پژوهش راکیا و همکاران (۲۰۲۳) همسو است و با نتایج پژوهش باغانی و دستخطگشتی (1403) هم‌راستا نیست.

نتایج فرضیه سوم نشان داد که بین استراتژی تجاری گذشته‌نگر و اجتناب مالیاتی رابطه منفی و معناداری وجود دارد؛ یعنی در شرکت‌هایی که نوع استراتژی گذشته‌نگر (تدافعی) است، میزان اجتناب مالیاتی شرکت‌ها کمتر است. تنوع تولیدات در شرکت‌هایی با استراتژی تدافعی اندک است، این شرکت‌ها دارای انعطاف‌پذیری محدودی در مواجه با شرایط رقابتیِ بازار می‌باشند و ریسک این شرکت‌ها کمتر بوده و کمتر به دنبال فعالیت‌های اجتناب مالیاتی هستند و نرخ مؤثر مالیاتی بیشتر است. انتظار می‌رود مدیران شرکت‌های تدافعی محافظه‌کارانه‌تر از دیگران عمل کنند و نسبت به ابهام‌های مربوط به اجتناب مالیاتی حساس‌تر باشند؛ در نتیجه، مدیرانی که استراتژی تدافعی را دنبال می‌کنند، فرصت‌های اجتناب مالیاتی پُرریسک و پرهزینه را نادیده می‌گیرند. این نتیجه‌گیری مبین تأیید فرضیه سوم پژوهش در جهت منفی است و نتایج حاصل شده از این فرضیه با ژانگ و همکاران (2022)، حمدیا و همکاران (2024)، اکبر و میریانی (2023) و مرفوع و همکاران (1398) همسو است؛ ولی با نتایج پژوهش بشیری جویباری (1393) هم‌راستا نیست.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.61882/qjfep.13.49.163]

فرضیه چهارم این پژوهش بدین صورت مطرح شد که «تنوع جنسیتی هیئت‌مدیره رابطه استراتژی تجاری تدافعی و اجتناب مالیاتی را تعدیل می‌کند». نتایج فرضیه چهارم نشان داد که تنوع جنسیتی هیئت‌مدیره رابطه استراتژی تجاری آینده‌نگر و اجتناب مالیاتی را تضعیف می‌کند؛ یعنی در شرکت‌های که عضویت زنان در هیئت‌مدیره بالاتر است، رابطه استراتژی تجاری تدافعی و اجتناب مالیاتی کمتر است. حضور مدیران زن در هیئت‌مدیره، می‌تواند به طور قابل توجهی احتمال تهاجم مالیاتی را کاهش دهد. حضور زنان در هیئت‌مدیره می‌تواند بر نوع استراتژی تجاری و فعالیت‌های اجتناب مالیاتی شرکت مؤثر باشد؛ زیرا زنان دارای روحیه محافظه‌کارانه و بررسی دقیق فعالیت‌ها و کنترل‌های داخلی شرکت هستند و دنبال استراتژی‌های مدافعانه بیشتر هستند که این می‌تواند بر فعالیت اجتناب مالیاتی شرکت مؤثر باشد. از این رو، حضور زنان در هیئت‌مدیره می‌تواند به شرکت در راستای دستیابی به یک هزینه مالیات مناسب با نرخ مؤثر مالیاتی کمتر کمک نماید؛ زیرا زنان به دلیل توانایی پیگیری بیشتری که در کارها دارند، بیشتر به دنبال کاهش فعالیت‌های اجتناب مالیاتی هستند. این نتیجه‌گیری مبین تأیید فرضیه چهارم پژوهش در جهت منفی است و نتایج حاصل شده از این فرضیه با پژوهش راکیا و همکاران (۲۰۲۳) همسو است ولی با نتایج پژوهش باغانی و دستخطگشتی (1403) هم‌راستا نیست.

پیشنهادهای کاربردی مبتنی بر نتایج پژوهش عبارتند از:

- به سرمایه‌گذاران علاقه‌مند به حفظ وجوه نقد شرکت، پیشنهاد می‌شود که شرکت‌هایی دارای استراتژی تجاری تهاجمی (آینده‌نگر) را به دلیل آنکه فعالیت اجتناب مالیاتی بیشتر است، انتخاب کنند. چون این شرکت‌ها دارای خروجی نقدی کمتر به دلیل فعالیت اجتناب مالیاتی بیشتر هستند.
- به زنان علاقه‌مند به عضویت در هیئت‌مدیره و مشتاق به فعالیت‌های اجتناب مالیاتی پیشنهاد می‌شود در صورت داشتن انتخاب، شرکت‌هایی را انتخاب کنند که دارای استراتژی کسب‌وکار آینده‌نگر باشند. زیرا ارتباط استراتژی تجاری تهاجمی (آینده‌نگر) و اجتناب مالیاتی بیشتر می‌گردد.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.61882/qjfep.13.49.163]

- به مدیران اجرایی، هیئت‌مدیره و فعالان بازار سرمایه پیشنهاد می‌شود که به این مهم توجه داشته باشند در شرکت‌هایی که استراتژی تجاری تدافعی (گذشته‌نگر) وجود دارد، فعالیت اجتناب مالیاتی کمتر است. لذا در تصمیمات مالیاتی خود نسبت به اثرگذاری منفی استراتژی تجاری تدافعی (گذشته‌نگر) توجه ویژه داشته باشند. همچنین به سرمایه‌گذاران بالقوه بی‌اشتها نسبت به ریسک پیشنهاد می‌شود که به دنبال شرکت‌هایی جهت سرمایه‌گذاری باشند که عضویت زنان در هیئت‌مدیره بیشتر است.
- به سازمان بورس پیشنهاد می‌گردد شرکت‌های جستجوگر و ریسک گریز را تشویق کنند تا تعداد مدیران زن در هیئت‌مدیره خود را افزایش دهند. با توجه به یافته‌های این مطالعه، شمول مدیران زن در هیئت‌مدیره پتانسیل این را دارد که عملیات اجتناب مالیاتی در شرکت‌ها را به حداقل برساند.
- به سازمان امور مالیاتی پیشنهاد می‌شود با توجه به نتایج این پژوهش و سایر پژوهش‌ها، به دلیل اینکه مردان محافظه‌کاری کمتری را نسبت به زنان دارا می‌باشند و لذا فعالیت‌های اجتناب مالیاتی بیشتری را دنبال می‌کنند، نسبت به شرکت‌هایی که مردان عضو هیئت‌مدیره آن‌ها هستند، بررسی بیشتری داشته باشد. چه‌بسا روحیه‌ی تهاجمی بیشتر مردان نسبت به محافظه‌کاری بیشتر زنان، ممکن است منجر به اجتناب مالیاتی بیشتر شده و در موارد شدیدتر، فرار مالیاتی بیشتری را به همراه داشته باشد.

تعارض منافع

این مقاله برگرفته از یک کار پژوهشی است و هیچ‌گونه تعارض منافع توسط نویسندگان بیان نشده است.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.61882/qjfep.13.49.163]

منابع

Akbar, F. S., & Meiryani, M. (2023). The Effect of Business strategies and Enviromental Uncertainty on Tax Avoidance in Manufacturing Companies in Indonesia. *International Journal of Economics, Business and Accounting Research (IJEBAR)*, *7*(1), 51-65. https://jurnal.stie-aas.ac.id/index.php/IJEBAR/article/view/8143.

Armstrong, C. S., Blouin, J. L., Jagolinzer, A. D., & Larcker, D. F. (2015). Corporate governance, incentives, and tax avoidance. *Journal of accounting and Economics*, 60(1), 1-17. https://doi.org/10.1016/j.jacceco.2015.02.003

Baghani, A. & Gashtegashti, B. 2024. Investigating the relationship between gender diversity in the board of directors and the relationship between business strategy and aggressive taxation. Quarterly Journal of Economic, Financial Management and Accounting Studies, Volume: 10(1): 251-261. (In Persian). https://irijournals.com/journals/economics/v10-i1-spring03/

Bashiri Jouybari M. Examine of the impact of firm's business strategy on level of tax avoidance. 3 2014; 4 (4):115-132. (IN PERSIAN). URL: http://mta.raja.ac.ir/article-1-128-fa.html

Bentley, K., Omer, T. C., Sharp, T. C. (2013). Business strategy, financial reporting irregularities, and audit effort. *Contemporary Accounting Research,* 30 (1): 780–817. https://doi.org/10.1111/j.1911-3846.2012.01174.x

Budi, P. N. (2019). The role of gender diversity on the board of directors and tax avoidance. *Russian Journal of Agricultural and Socio-Economic Sciences*, *87*(3), 107-115.

Croteau, A., Bergeron, F. (2001). An information technology trilogy: business strategy, technological deployment and organizational performance. *The Journal of Strategic Information Systems*, 10(2): 77-99. https://doi.org/10.1016/S0963-8687(01)00044-0

Daily, C. M., Certo, S. T., & Dalton, D. R. (2000). The future of corporate women: progress toward the executive suite and the boardroom?. *Women on corporate boards of directors: International challenges and opportunities*, 11-23.

Desai, M. A., & Dharmapala, D. (2009). Corporate tax avoidance and firm value. *The review of Economics and Statistics*, *91*(3), 537-546. https://doi.org/10.1162/rest.91.3.537

Dianati Deilami, Z., Banimahd B., Rostaei Darehmiane E. (2015). The Relationship between Firm's Business Strategy and Level of Tax Avoidance in the Firms Listed at Tehran Stock Exchange. J Tax Res 2015; 23 (25). (In Persian). URL: http://taxjournal.ir/article-1-192-fa.html

Dyreng, S. D., Hanlon, M., and Maydew, E. L. (2010). The effects of executives on corporate tax avoidance. Account. Rev. 85, 1163–1189. doi:10.2308/accr.2010.85.4.1163.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.61882/qjfep.13.49.163]

Gul, F. A., Srinidhi, B., & Ng, A. C. (2011). Does board gender diversity improve the informativeness of stock prices? Journal of Accounting and Economics, 51(3), 314-338.

Hamdiah, H., Tjahjono, M. E. S., Bastian, E., & Soleha, N. (2024). Does Environmental Uncertainty Play Moderating Role in Relation Between Business Strategy and Tax Avoidance. *Journal of Governance, Taxation and Auditing*, *2*(4), 291-304. https://doi.org/10.38142/jogta.v2i4.1055

Hasani M, Shafiee S. (2010). Estimation of Effective Corporate and Business Income Tax Rates in Iran. *J Tax Research*; 18 (8):125-152. (In Persian). http://taxjournal.ir/article-۱۱۸-۱-fa.html

Higgins, D, M., Omer, TC. John, D. (2014). Does a firm business strategy Influence its auditor reporting? *The Accounting Review*, 72(2): 231-255.

Higgins, D., Omer, T.C., Phillips, J.D. (2015). The influence of a firm's business strategy on its tax aggressiveness. *Contemporary Accounting Research*, 32(2):674-702. https://doi.org/10.1111/1911-3846.12087

Huang, H., & Zhang, W. (2020). Financial expertise and corporate tax avoidance. *Asia-Pacific Journal of Accounting & Economics*, *27*(3), 312-326. https://doi.org/10.1080/16081625.2019.1566008

Joecks, J., Pull, K., & Vetter, K. (2013). Gender diversity in the boardroom: What exactly constitutes a critical mass? *Journal of Business Ethics*, 118(1), 61–72. https://doi.org/10.1007/s10551-012-1553-6

Kazemi Saraskanrood, Z., & shirkhodaie, M. (2023). The Impact of Political Relations on Tax Aggressiveness with the Moderating Role of Human Resources Social Responsibility in Small and medium Enterprises in Tehran Stock Exchange. *Journal of Sustainable Human Resource Management*, *5*(9), (In Persian). doi: 10.22080/shrm.2023.4217

Khajavi, Sh., Rezaei, Gh., & Fani, L. (2022). *Judgment and Decision Making in Accounting and Auditing*, *1*(1), 47-66. (In Persian). doi:10.30495/jdaa.2022.691736

Marfou, M., Mahannejad, M., & Ghannad, M. (2019). The relationship between business strategy and tax avoidance: The modifying role of financial experts on the audit committee. *Financial Accounting Research*, *11*(4), 67-86. (In Persian). doi: 10.22108/far.2020.120013.1546

Mirahmadi, M., (2022). The importance of the role of the quality of the internal information environment in tax avoidance, *the 12th international conference on modern researches in management, economics, accounting and banking*. (In Persian). https://civilica.com/doc/1566285.

Miles, R. E., Snow, C. C., Meyer, A. D., and Coleman, H. J. Jr. (1978). Organizational strategy, structure, and process. *Acad. Manag. Rev*. 3, 546–562. https://doi.org/10.5465/amr.1978.4305755

Namazi, M., Dehghani Saad, A., & Ghoohestani, S. (2017). CEO Narcissism and Business Strategy. *Journal of Management Accounting and Auditing*

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.61882/qjfep.13.49.163]

Knowledge, *6*(22), 37-52. (In Persian). https://jmaak.srbiau.ac.ir/article_10800.html?lang=fa

Rakia, R., Kachouri, M., & Jarboui, A. (2023). The moderating effect of women directors on the relationship between corporate social responsibility and corporate tax avoidance? Evidence from Malaysia. *Journal of Accounting in Emerging Economies*. https://doi.org/10.1108/JAEE-01-2021-0029

Rostaei darehmiane E, Dianati Dilami Z, Banimahd B. The Relationship between Firm's Business Strategy and Level of Tax Avoidance in the Firms Listed at Tehran Stock Exchange. J Tax Res 2015; 23 (25). (in Persian) URL: http://taxjournal.ir/article-1-192-fa.html

Sarraf, F., Ali Akbari, M. & Azimi, A., (2021). Tax avoidance and investment efficiency with an emphasis on the comparability of financial statements and competition in the product market, *scientific journal of new research approaches in management and accounting*, 5(18), 113-132. (In Persian) https://majournal.ir/index.php/ma/article/view/1048

Srinidhi, B., Gul, F. A., & Tsui, J. (2011). Female directors and earnings quality. Contemporary Accounting Research, 28(5), 1610-1644.

Taylor, G., Al-Hadi, A., Richardson, G., Alfarhan, U., & Al-Yahyaee, K. (2019). Is there a relation between labor investment inefficiency and corporate tax avoidance?. *Economic Modelling*, *82*, 185-201. https://doi.org/10.1016/j.econmod.2019.01.006

Yang, P., Riepe, J., Moser, K., Pull, K., & Terjesen, S. (2019). Women directors, firm performance, and firm risk: A causal perspective. *The Leadership Quarterly*, *30*(5), 101297. https://doi.org/10.1016/j.leaqua.2019.05.004

You, J., Terjesen, S., & Bilimoria, D. (2018). Women in the upper echelons: Women on corporate boards and in top management teams. In *Oxford Research Encyclopedia of Business and Management*. https://doi.org/10.1093/acrefore/9780190224851.013.46

Zhang, X., Husnain, M., Yang, H., Ullah, S., Abbas, J., & Zhang, R. (2022). Corporate business strategy and tax avoidance culture: Moderating role of gender diversity in an emerging economy. *Frontiers in Psychology*, *13*, 827553. doi:10.3389/fpsyg.2022.827553

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.61882/qjfep.13.49.163]

[DOI: 10.61882/qjfep.13.49.163] [Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.61882/qjfep.13.49.163]